

بند سلما؛ گامی در رشد و تقویت زراعت و تولید انرژی

رحیم حمیدی



توانیم که حضور هند در افغانستان به معنی تهدید پاکستان نیست.

جدا از این مسئله، غرب کشور به خاطر بنسدر چابهار نیز ناامن خواهد شد. زیرا، مقامات نظامی پاکستان بعد از توافقنامه بندر چابهار میان ایران، هند و افغانستان گفته بود که بندر چابهار خطر امنیت ملی برای ماست. این سخن آن ها می تواند به معنی جهت دهی جنگ به سمت غرب کشور محسوب شود. به احتمال زیاد، در آینده شاهد ناامنی بیشتر در غرب کشور باشیم. با این حال، لازم است که حکومت در تأمین امنیت این منطقه مسائل مذکور را مد نظر قرار دهد تا مشکلات امنیتی مشکلات را برای بهره برداری از بند سلما و مسیر بندر چابهار به وجود نیاورد.

حکومت وحدت ملی از آغاز تا کنون برنامه و طرح های خوبی چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی روی دست گرفته است. در این میان تنها سیاست خارجی کشور در قبال پاکستان ظاهرا به شکست مواجه شده است. زیرا، چندین بار است که رئیس جمهور غنی به صورت تلویحی و غیر مستقیم پاکستان را کشور تولید ترور می خواند. حکومت وحدت ملی اگر بتواند به صورت بنیادی و ریشه ای به مشکلات افغانستان و پاکستان بپردازد در آن صورت مشکلات امنیتی و همه درد و رنج های که در سال های متعددی کشیده ایم از میان خواهد رفت.

در پایان این نوشتار یک بار دیگر باید نوشت که بند سلما در کنار اینکه تجدید دایره در روابط افغانستان و هند است کاری برای رهایی از وابستگی انرژی به کشور های منطقه، رفتن به سمت استقلال و خودکفایی انرژی، رشد اقتصاد و زراعت در کشور نیز هست. در صورت که در آینده طرح های دیگر حکومت برای مهار آب کشور پیاده شود افغانستان به یکی از کشورهای صادر کننده انرژی تبدیل خواهد شد. با این حال، ضرورت طرح های به منظور استفاده از ظرفیت انرژی خورشیدی و بادی نیز وجود دارد تا ما به صورت کامل به یک کشور صادر کننده انرژی تبدیل شویم.

است. بند سلما روی رود هیرود ایجاد گردیده است و این منبع آبی مشترک میان افغانستان، ایران و ترکمنستان است. از آنجایی که سرچشمه رود هیرود در افغانستان است افغانستان حق ایجاد سد و مهار آب را براساس حقوق بین الملل دارد اما، براساس حقوق بین المللی کشور دیگر که در مسیر رود واقع شده اند نیز دارای حق آبه می باشد. همین مسئله اگر به صورت بنیادی با کشورهای همسایه حل نگردد می تواند منجر با افزایش ناامنی در کشور گردد.

مسئله دیگر این است که بند سلما را کشور هند ساخته است. هند قبل از این، ساختمان پارلمان کشور را نیز ساخته بود که چندی پیش از سوی گروه های مخالف مسلح دولت حمله راکتی شد. از آنجایی که پاکستان از نفوذ هند در افغانستان هراس دارد، احتمال آن می رود که این کشور دامنه ناامنی را گسترش داده و از بهره برداری ظرفیت های ایجاد شده در هرات جلوگیری نماید. بسا این حال، این مسئله بستگی به دیپلماسی ما دارد که تا چه اندازه پاکستان را متقاعد ساخته می

های آینده ایجاد و به بهره برداری سپرده شود، در آن صورت، افغانستان قادر به استقلال در تولید انرژی خواهد شد. در وضعیت کنونی دو پروژه کلان انتقال انرژی از آسیای میانه به افغانستان و از این جا به کشورهای آسیای جنوبی در حال اجرا است. پروژه توتاپ و کاسا-۱۰۰۰. در آینده اگر افغانستان بتواند از تمام ظرفیت های آبی، خورشیدی و بادی خود برای تولید انرژی استفاده می کند می تواند یکی از کشورهای صادر کننده انرژی به کشورهای آسیای جنوبی محسوب شود. بنابراین، بند سلما نخستین گام برای رهایی از وابستگی و دست یابی به استقلال انرژی محسوب می شود و امیدوارم که طرح های دیگر حکومت برای ساخت سد در کشور نیز اجرا شود.

دامنه رود های افغانستان به کشورهای همسایه امتداد پیدا نموده است. از این جهت، افغانستان همواره با مسئله توزیع آب با کشورهای همسایه مواجه بوده است. مسئله حق آبه یکی از مشکلات دائمی میان افغانستان و کشورهای همسایه بوده

که اقتصاد جنگی در کشور وجود داشته باشد. بنابراین، در کنار اینکه مزایای زیادی اقتصادی برای کشور دارد برای زدودن و کاهش اقتصاد جنگی در کشور کمک می کند. تأمین انرژی افغانستان ظرفیت تولید انرژی زیادی را دارد اما، تا هنوز به دلایل ناامنی، فساد اقتصادی کشور محسوب شود. بنابراین، بهره برداری بند سلما را می توان بزرگترین اقدام حکومت برای رونق اقتصادی کشور به حساب آورد.

هرات از جمله ولایت های کشور است که ظرفیت تولید زعفران با کیفیت بالا را دارد. براساس گزارش ها، زعفران هرات بهتر از زعفران ایران است. تهیه آب برای زمین های زراعتی در واقع، رشد و تقویت کشت زعفران نیز هست. از آنجایی که زعفران یکی از محصولات بدیل برای کشت کوکنار به حساب می آید، افزایش کشت زعفران در کشور می تواند کاری در راستای زدودن اقتصاد جنگی محسوب شود. آنچه جامعه را ما فلج کرده است ادامه جنگ در کشور است. جنگ تا زمانی جریان خواهد داشت

نظریه فرهنگ توده ای

دکتر علیرضا رضانی



انتقادی جهت گیری اش معطوف به سطح فرهنگی و آنچه که واقعیت های جامعه سرمایه داری نوین می خوانند، بوده است. به این معنا که قانون تسلط در جهان نوین از اقتصاد به تئوری فرهنگی انتقال یافته است. مکتب انتقادی به سرکوبی فرهنگی فرد در جامعه نوین، تأکید دارد. به نظر آنها در جهان نوین این تسلط بیشتر با عناصر فرهنگی انجام می گیرد تا عناصر اقتصادی. همچنین در جامعه نوین تفکر تکنوکراتیک (یا عقلانیت صوری) جای خرد (یا عقلانیت ذاتی) را گرفته است. عقلانیت تکنوکراتیک هدفش خدمت به نیروهای سلطه گر است نه رها ساختن مردم از بند تسلط، همچنین هدفش پیدا کردن مؤثرترین وسایل برای رسیدن به هدفهایی است که قدرتمندان آنها مهم می دانند، در حالیکه خرد، مستلزم ارزیابی وسایل بر حسب غایتها و ارزشهای انسانی همچون عدالت و صلح و شادمانی است.

انتقاد از فرهنگ: آنها معتقدند که رشد جامعه صنعتی، نخست در اروپا و سپس در سراسر جهان، همراه با نوآوری های فنی بویژه در حوزه ارتباطات بر همه شکل های تولید و اشاعه فرهنگ اثر نهاده است. از جنگ جهانی دوم به این سو، ما شاهد رشد فزاینده صنعت فرهنگ بوده ایم؛ تلویزیون و صنعت های وابسته به آن، دانش های کامپیوتری، ویدئو، ماهواره و... افق های تازه ای را می گشایند که تاکنون ناشناخته بودند به گونه ای که بر آینده فرهنگ در سطح جهان اثر می نهد در درازمدت، شیوه تجلی فرهنگ، نوع تحول محتوا و نقش آن به گونه فزاینده از صنعتی شدن نظام تولید و اشاعه پیام های فرهنگی تأثیر می پذیرد. علاقمندی این نظریه پردازان به صنعت فرهنگ (یعنی ساختارهای عقلانی و دیوانسالارانه چون شبکه های تلویزیون که مهار فرهنگ نوین را در دست دارند) توجه آنها را به مفهوم رو بنا و نه لزوماً زیربنای اقتصادی معطوف می کند. صنعت فرهنگی همان چیزی است که «فرهنگ توده ای» را تولید می کند. ویژگی است که از همه بیشتر نظریه پردازان انتقادی را نگران می سازد، اینست آنکه آنها نگران دروغین بودن این فرهنگ اند. دیگر آنکه آنها از تأثیر سبک زندگی، سرکوبی و حذف کننده این فرهنگ بر مردم هراسانند. این نظریه پردازان آینده را «فلس آهمنی» می انگارند که بیش از پیش ساختارهای عقلانی به خود می گیرد و امید گریز از آن لحظه به لحظه کم رنگتر می شود. پاسخی که نظریه پردازان این مکتب به سوال بازتولید نظام سرمایه داری در طبق فرهنگ می دهند، همان اصطلاح «صنعت فرهنگ» می باشد که توضیح داده شد.

از نمایش های سبک تلویزیونی گرفته تا صفحات موسیقی پاپ تا رویدادهای ورزشی - به شیوه های مختلف سعی می کنند که چیزها را آشنا و امن نشان دهند. جامعه ای که به مدد صنعت فرهنگ خلق می شود جامعه یک بعدی (تک ساختی) نام می گیرد که در همین رابطه طرح می گردد. هدف غایی این نظریه افشای دقیقتر ماهیت جامعه و افزایش آگاهی توده ها و مردم می باشد. این نظریه بدلیل انتقاداتی که به برخی نخله های فکری و اصطلاحات وارد ساخته به نظریه انتقادی معروف گردیده است. این انتقادات عبارتند از:

الف) انتقادهایی به نظریه مارکسیستی؛ بویژه انتقاد از جبرگراییان اقتصادی بخاطر تأکید بیش از حد بر قلمرو اقتصادی و فراموشی سایر جنبه های زندگی اجتماعی. بدین ترتیب مکتب انتقادی در صدد آن بود که با عطف توجه به قلمرو فرهنگی و ذهنی این عدم تعادل را تصحیح کند.

ب) انتقادهایی به اثبات گرایی؛ مکتب انتقادی، بویژه بویژه (اثبات گراییان) را بخاطر کاربرد ناسنجیده روشهای علوم طبیعی - تجربی در علوم انسانی مورد نکوهش قرار می دهد و آنها را محافظه کارانی می داند که توان روبرویی با نظام موجود را ندارند و کنشگران را نادیده می گیرند.

ج) انتقادهایی از جامعه شناسی؛ این مکتب جامعه شناسی را به خاطر علم گرایی، محافظه کاری و پذیرش وضع موجود وعدم انتقاد جدی از جامعه و تقلیل آن در حدبازاری در خدمت سرمایه داری مورد انتقاد قرار می دهد. د) انتقادهایی از جامعه نوین؛ مکتب

کنترل بشمار می رود. صنعت فرهنگ نیز یکی از موانع عمده آگاهی و آزادی و انقلاب اجتماعی است. صنعت فرهنگ با شکل دادن به ذوق و ترجیحات توده ها، به آگاهی و ذهنیت آنها شکل می بخشد و با یکسان سازی، هرگونه طرز تفکر رقیب و مخالفی را حذف می کند. همچنین از طریق فرآورده های خود به توده ها هویت می بخشد و کردارهای آنها را تعیین می کند. و از آنجا که مصرف کالاهای فرهنگی افرادی است، صنعت فرهنگ حالتی از فردیت کاذب (مجازی) در بهره برداری از کالا ایجاد می کند. لیکن در پس این فردیت ظاهری، صنعت فرهنگ به یکسان سازی و بهنجارسازی ذوق و ذهنیت توده ها می انجامد. و در این رابطه رسانه ها نیز در جهت حفظ وضع موجود فعالیت می کنند نه در جهت تغییر آن.

نظریه پردازان انتقادی فرهنگ همانند نظریه پردازان فرهنگ توده ها معتقدند فرهنگ مردمی مدرن چیزی جز فرهنگ توده ای نیست و این فرهنگ نیز اساساً صنعت فرهنگ توده ای است؛ فرهنگ تجاری یا تجارت زده است؛ بصورت انبوه تولید و مصرف می شود؛ مصرف کنندگان آن توده های بی تمیز و منفعل هستند و قدرت تشخیص ندارند؛ فرهنگ توده ای از بالا تحمیل می شود و نمی توان در آن عناصری خودجوش که از درون زندگی مردم برخاسته باشد یافت؛ فرهنگ توده ای صرفاً بازار سلطه و استیلاست و هیچ نسبتی با مقاومت در مقابل قدرت ندارد؛ و نهایتاً سرنوشت فرهنگ توده ای با سرنوشت سرمایه داری سازمان یافته گره خورده است. دغدغه اصلی نظریه انتقادی فرهنگ آنست که انسانها توانایی ها و توانمندیهای دارند که در جوامع مدرن از آنها گرفته شده است. همه وجوه فرهنگ عامه -

یکی از مسائلی که این روند را تسهیل نموده است «صنعت فرهنگ» ۷ می باشد که

به ایجاد و ارضای نیازهای کاذب و سرکوبی نیازهای واقعی می پردازد. و بر همین اساس نیازهای واقعی در سرمایه داری مدرن قابل تحقق نیستند زیرا نیازهای کاذب که این سیستم برای ادامه خود تقویت می کند بر آنها تحمیل می شود. توده ها قدرت خود را از دست داده اند و قدرت درصنعت فرهنگ نهفته است. محصولات آن، مردم را به پذیرش جمعی و اجتماعی که متضمن فرمانبری از مظاهر قدرت و ثبات نظام سرمایه داری است، تشویق می کنند. طرفداران این نظریه به جریان تولید، توزیع، مصرف و بازتولید اشاره داشته و با انتقاد از گرایش سرمایه داران به ایجاد صنایع فرهنگ که مطابق قانون بازار، اعتقاد به تولید بیشتر برای مصرف بیشتر و مصرف بیشتر برای تولید بیشتر دارد، بر تأثیر مخرب این صنعت در شکل گیری فرهنگ توده تأکید دارند. صنعت فرهنگ تولدی و مصرف فرهنگ در جوامع سرمایه داری را استاندارد کرده است. ظهور استانداردهای فرهنگ مانند موسیقی یا سبک در فیلم حاصل عملکرد صنعت فرهنگ می باشد. صنعت فرهنگ باعث زوال فردیت انسان شده است این زوال به سه شکل ظهور پیدا می کند: الف - یکپارچه شدن آگاهی انسان به وسیله ارتباطات هدایت شده. ب - ناچیز شمردن خصلت و کیفیت فرد در تحول اشکال تولید. ج - دگرگونی در ساختمان روانی انسان به دلیل اجتماعی شدن یکپارچه انسانها. به نظر اصحاب مکتب فرانکفورت جوهر سرمایه داری مدرن کنترل اجتماعی و جلوگیری از دگرگونی بنیادی است و فرهنگ مدرن یکی از عوامل اصلی این

همان اندازه که بازسازی اقتصادی افغانستان ضرورت دارد، به همان اندازه بازسازی فرهنگی این کشور دارای اهمیت است. در کشوری که سالهای سال، افراط گرایی و خشونت ترویج شده است، برگشت به روح همدردی و نرمی و لطافت عارفانه ای که همه مردم را به مهریانی و رافت فرامی خواند، می تواند بنیان های افراط گرایی را که چنین وضعیتی را به وجود آورده است، متزلزل سازد.

رئیس جمهوری و دولت افغانستان بیش از هر امری باید به همین

بعد فرهنگی بازسازی توجه نمایند. هر امری که به خشونت و افراط گرایی منجر شود، به اندازه تروریسم و دشت افکنی خطرناک است. بدون تردید عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی مردم در افغانستان ارتباط واضحی و جدی ای با افراط گرایی دارد. حضور هند در چنین پروژه بزرگی در افغانستان، روابط عمیق فرهنگی میان افغانستان و هند و گذشته تاریخی این دو کشور از هند یک کشور مورد پسند افغانستان و مورد علاقه مردم افغانستان ساخته است.

بدون شوخ

کارتون روز

حضور فرهنگی و اقتصادی هند در افغانستان

محمد رضا هویدا

افتتاح بند سلما، یکی از پروژه های زیربنایی افغانستان که به کمک هندوستان اجرا و به بهره برداری رسید، یکی از نمونه های بزرگ همکاری های منطقه ای است که در طی چندین سال اخیر شاهد بوده ایم.

هند شریک قدرتمند و بزرگ افغانستان است. هند بر خلاف بسیاری از کشورهای منطقه که گرایش های محکم ایدئولوژیک دارند، بزرگترین دموکراسی جهان است و دموکراسی در این کشور ریشه عمیق دارد. این پروژه از که طرح آن در زمان داوود خان ریخته شده است و تا کنون به خاطر وضعیت نامساعد افغانستان اجرا نشده است، برای هزاران خانه روشنایی و هزاران جریب زمین را آبیاری می نماید.

بند دوستی افغانستان و هند به معنای واقعی فراتر از یک پروژه اقتصادی در یک ولایت است. این پروژه اولین نمونه از یک سرمایه گذاری دراز مدت در یکی از ولایات های بزرگ و مهم افغانستان است.

در آینده ای که افغانستان محیط به خشک به هزاران نوع مشکلات جغرافیایی و ... روبرو است، بند سلما یک دستاورد و یک کار مهم است. معضل به هدر رفتن آبهای افغانستان و سرازیر شدن آنها به کشورهای همسایه در نبود مدیریت دولتی، از مشکلات اساسی دولت افغانستان است. دولت تا هنوز نتوانسته استرانیازی واضحی برای آب های افغانستان داشته باشد. میلیونها مترمکعب آب بدون هیچ بازده و فایده ای از افغانستان خارج می شوند و سرزمین های دیگران را سیراب می کنند، در حالی که در افغانستان جز سیل و ویرانی اثری بر جای نمی گذارند.

نکته جالبی که در سخنان رئیس جمهوری به آن اشاره شد، موضوع فرهنگی در روابط هند و افغانستان بود. رئیس جمهوری به تأثیر طریقه چشیده به هند آن زمان سخن گفت. این موضوع هر چند ناگوشوده است و کمتر به آن پرداخته شده است، اما طرح آن از نسوی رئیس جمهوری کاملاً آگاهانه و با اهمیت بود. افراط گرایی امروزین که سایه سنگین و شومش را بر منطقه افکنده از کشورهای منطقه قربانی می گیرد و ساکنان این کشورها را در جنگ و خشونت و دهشت فروبرده است، به دلیل کم رنگ شدن تکررات عارفانه و مداراگرانه است.

آنچه در نیم قرن اخیر شاهد آن بوده ایم، خشونت بوده که نقابی از دین بر آن کشیده شده است و بر مردم حاکمیت یافته است. در گذشته این سرزمین خصوصاً در گذشته ای که کشورهای منطقه ارتباط عمیق و وسیع فرهنگی با یکدیگر داشته اند، مدارا و تساهل و تسامح در سایه دین رحمت و وحدت، اصلی انکار ناپذیر بوده است.

رئیس جمهوری و دولت افغانستان بیش از هر امری باید به همین بعد فرهنگی بازسازی توجه نمایند. هر امری که به خشونت و افراط گرایی منجر شود، به اندازه تروریسم و دشت افکنی خطرناک است. بدون تردید عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی مردم در افغانستان ارتباط واضحی و جدی ای با افراط گرایی دارد. حضور هند در چنین پروژه بزرگی در افغانستان، روابط عمیق فرهنگی میان افغانستان و هند و گذشته تاریخی این دو کشور از هند یک کشور مورد پسند افغانستان و مورد علاقه مردم افغانستان ساخته است.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به هجده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربازین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine